

هامون ایران

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

چهار مؤلفه‌ی معرفتی اعتزال نو؛ مقاله ای از حامد علی اکبرزاده

اسماعیل حسام مقدم، 18th March, Sunday, 2018

چهار مؤلفه‌ی معرفتی اعتزال نو

حامد علی اکبرزاده

منتقد فرهنگی

حضور جریان‌های عقل‌گرا در جهان اسلام همواره به سود دین اسلام تمام شده است، چه آنکه این جریان‌ها یا به دفاع عقلانی از آموزه‌های اسلامی پرداختند و یا با طرح سوالات و ایجاد پرسش‌های جدید پیش روی اسلام، زمینه را برای پویایی و پاسخ‌گویی در اندیشه اسلامی فراهم آوردند.

یکی از جریان‌های عقل‌گرایی که در اواخر قرن نوزدهم و قرن بیستم در جهان اسلام ظهور کرد و داعیه دار عقل‌گرایی و احیای تفکر معتزلی است، جریان نومعتزله یا اعتزال نو می‌باشد که پایه گذار عقل‌گرایی نوین و جنبشی اصلاح‌گر و تجدید طلب است و در پی نگاهی نو به دین، کنار زدن تقلید گرایی، قرائت عقلانی از دین و نهایتاً اصلاحات اجتماعی حرکت می‌کند. این جریان در دو منطقه از جهان اسلام ظهور کرد: ۱- شبه قاره هند. ۲- جهان عرب و به ویژه منطقه شمال آفریقا و مصر.

نقطه اشتراک همه افراد منتسب به این جریان همان نگاه عقلانی به دین است [۱] و همه اندیشمندان آن، تلاش می‌کنند تا خوانشی عقلانی و تحلیلی - فلسفی از دین ارائه کنند. به همین دلیل است که آنها در تحلیل برخی آموزه‌های دین اسلام مانند اعتبار قرآن و سنت، حقوق زن، ارث، حدود و دیات و... دچار تردید شده و گاه این احکام و معارف را انکار می‌کنند.

ناگفته نماند که در این جریان طیف‌های متفاوتی وجود دارند و یکی از مهمترین مسائلی که آنها را به دو طیف مهم تقسیم می‌کند مساله تمایل نظری و فکری به غرب است، چنانچه برخی افراد همچون سید جمال و محمد عبده با استفاده خالص از میراث اسلامی به دنبال اصلاح هستند و از همین رو برخی آنها در دایره بنیاد گرایی و نگرش سلفی قرار می‌دهند، و برخی دیگر که عمدتاً از ماخرین این جریانند مانند ابوزید و جابری و ارکون تمایل زیادی به روش‌های علوم انسانی در غرب دارند و برای اصلاح فکر و اندیشه اسلامی نسخه‌های غربی و شبه غربی تجویز می‌کنند.

علاوه بر خاستگاه اصلی این جریان که جهان عرب، شمال آفریقا و شبه جزیره هند است، در میان روشنفکران ایرانی نیز افرادی وجود دارند که یا خود را به منتسب به این جریان می‌دانند و یا به دلیل شباهت دیدگاه‌هایشان با برخی نومعتزلیان عرب به این جریان منتسب شده‌اند. از جمله این افراد دکتر عبدالکریم سروش است که صراحتاً خود را نومعتزلی می‌نامد [۲] و معتقد است که بازخوانی و نقد و بررسی آراء معتزله، می‌تواند دستاوردهای جدیدی را در عرصه اندیشه به ارمغان بیاورد [۳]، و بر همین اساس، تمام دنیای اسلام را نیازمند تجدید تجربه اعتزال می‌داند [۴]. او علت علاقه خود به معتزله را طرح مساله عقل مستقل از وحی و تامل و اندیشه در رابطه میان عقل و نقل عنوان کرده و تاکید می‌کند که اندیشه‌هایش به ویژه در مسائلی چون فهم قرآن، مساله اختیار انسان در انتخاب دین، فهم دین با استفاده از عقل برون دینی، عدم وجود قرائت رسمی از

دین و توجه به قرائت‌های متنوع از دین و... متعلق به اندیشه اعتزال است. [۵]

محمد مجتهد شبستری از دیگر افرادی است که در ایران رویکردی نومعتزلی دارد، او گرایش زیادی به اندیشه‌های نصر حامد ابوزید به ویژه در مساله وحی دارد و معتقد است که معتزله خاستگاه اصلی جریان نواندیشی دینی محسوب می‌شوند، زیرا آنها سه مساله خریدپذیر بودن عقاید دینی، حسن اخلاقی داشتن آموزه‌های دینی و مفید و مضر بودن فتاوی دینی را در فهم خویش از دین دخالت داده اند. [۶] مهمترین مساله‌ای که وی را با جریان نومعتزله همراه کرد، مساله تاریخ‌مند بودن قرآن و تاثیرپذیری آن از فرهنگ عصر نزول است. [۷]

مبانی فکری نومعتزلیان

۱- محوریت عقل در فهم دین

مهمترین مبانی که در این جریان مورد توجه قرار گرفته است، عقل‌گرایی و اصالت بخشیدن به عقل در فهم دین است. آنها در تعارض میان عقل و نقل، جانب عقل را گرفته و نقلی را که با قواعد عقل همخوانی ندارد یا کنار نهاده و آنرا متعلق به عصر خویش می‌دانند و یا اینکه با همان عقل، این نقل را به گونه‌ای تاویل می‌کنند و از ظاهر نقل روی می‌گردانند. بر همین اساس معتقدند که عقل انسان در تشخیص نیک و بد اخلاقی مستقل است و اساسا اخلاق امری عقلی محسوب می‌شود. [۸] به عنوان مثال ابوزید معتقد است که اصل اولی حاکمیت عقل است و خود وحی نیز بر اساس آن استوار است. عقل قابلیت خطا دارد اما به همان میزان قادر به اصلاح خطاهای خویش است، ضمن اینکه عقل تنها ابزار برای فهم است و باید برای سلطه عقلانیت تلاش کرد. [۹] حسن حنفی نیز معتقد است که شرایط دوران ما، فراخوانی به عقل و دفاع از عقلانیت را ایجاب می‌کند، [۱۰] افرادی چون محمد ارکون و جابری نیز که به طور مفصل به دیدگاه‌هایشان خواهیم پرداخت مشکل اصلی اندیشه اسلامی را بریدن از عقل و به ویژه عقل مدرن می‌دانند.

۲- علم‌گرایی در تفسیر متون دینی

در جریان اعتزال نو، تلاش می‌شود تا برای تفسیر متون دینی و فهم دین از همه دستاوردهای علم جدید استفاده گردد، البته این علوم جدید منحصر به علوم تجربی نیست، بلکه جدیدترین دستاوردهای علوم انسانی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. این مساله تا آنجا مهم است که افرادی چون ارکون، جابری و ابوزید مبانی فهم خویش از متون دینی را دستاوردهای جدید در حوزه علوم انسانی می‌دانند، حتی محمد ارکون قرائت مطلوب خویش از دین را قرائت علوم انسانی می‌نامد و روش مورد علاقه خود در نقد عقل اسلامی را روش اسلام شناسی تطبیقی که آمیخته‌ای از یافته‌های جدید علوم انسانی و اجتماعی است، معرفی می‌کند و استفاده از پژوهش‌های روان شناسی، باستان شناسی، جامعه شناسی و... را در این عرصه پیشنهاد می‌دهد. ابوزید نیز اساس کار خود را استفاده از همه روش‌های موجود علمی برای فهم کلام الهی می‌داند، [۱۱] ضمن اینکه مجتهد شبستری نیز معتقد است برای پژوهش درباره قرآن می‌توان از همه روش‌های علمی که در مطالعه و فهم آثار زبانی انسان به کار برده می‌شود، نظیر فلسفه زبان، زبان شناسی، هرمنوتیک جدید، نقد تاریخی و... استفاده کرد. [۲۱]

۳- قرائت تاریخی از دین

جریان نومعتزله قائل به قرائت تاریخی از دین است و به چنین قرائتی در شکل‌گیری میراث فکری اسلامی توجه ویژه دارد. آنان معتقدند که گاهی آموزه‌های دینی در سیر تاریخی شان، به ضد خود و غیر خود تبدیل می‌شوند، به عنوان مثال جبر و قضا و قدر الهی که در ابتدا متأثر از ایمان به تعالی خداوند و فاعلیت مطلق حق بود، تبدیل به وسیله‌ایی برای ظلم و عوام فریبی برخی حکام، همچون بنی امیه، شد و مشیت الهی نیز بهانه‌ای برای تحمیل و تحمل ظلم فراهم آورد. [۳۱] آنها بر همین اساس به روش‌های مختلف تاریخ نگاری در غرب و جهان اسلام توجه جدی دارند و برخی از افراد داخل در این جریان مانند محمد ارکون روش‌های تاریخ نگاری نوین را در تحلیل میراث اسلامی به کار می‌گیرند.

نومعتزلیان در همین راستا بسیاری از احکام قرآن و اسلام را تاریخ‌مند می‌دانند که از مهمترین آنها می‌توان به احکام حدود و دیات و احکام مربوط به زنان اشاره کرد. آنها آموزه‌های تاریخ‌مند اسلام و قرآن را در جامعه

امروز فاقد اعتبار می‌دانند و معتقدند این احکام از ذاتیات دین محسوب نمی‌شود، بلکه از عرضیات دین هستند که در هر دوره و عصری امکان انفکاک آن از دین وجود دارد. به عنوان مثال ابوزید احکام مربوط به زنان را تاریخ مند می‌داند و معتقد است بسیاری از آنها مثل مساله تعدد زوجات، ارث، ديه زن و... را امروزه باید کنار نهاد و دلیل اصلی وی بر این مدعا تغییرات اجتماعی و تحولات تاریخی است. [۴۱] او تاکید می‌کند که این تحولات سبب می‌شود احکام قرآنی از نظر تاریخی و فرهنگی دوران نشان سپری شود، از این رو التزام به آنها به معنای برگرداندن فرهنگ و واقعیت امروز به دوران عصر نزول است. [۵۱] ابوزید با همین نگاه احکام مربوط به بردگان و کنیزان، [۶۱] ربا، [۷۱] دستورهای قرآنی برای جهاد [۸۱] و احکام مربوط به حقوق زن در اسلام [۹۱] مانند چند همسری [۱۰۲] و ارث زن [۱۲] را تاریخ مند می‌داند و بر خوانش تاریخی این احکام و به تعبیر دیگر کنار نهادن آنها تاکید می‌کند.

۴- سکولاریزم

می‌توان گفت سکولاریزم یکی دیگر از مهمترین مبانی فکری این جریان است و به آن تصریح می‌کنند [۲۲]، آنها به طور کلی با اسلامی‌سازی علوم مخالفند و از رویکرد دینی به مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی به شدت پرهیز می‌کنند. ابوزید در همین راستا می‌گوید: «به نظر من اسلام می‌تواند با مدرنیته، حقوق بشر، دموکراسی و عقلانیت سازگار شود. اسلامی که در طول چهارده قرن با دنیا کنار آمده و زنده مانده، خود را با نظام قبیله ای، امپراتوری و دولت مدرن سازگار کرده و در تمام این شرایط متفاوت دوام آورده است، قابلیت آن را دارد که خود را با مدرنیته سازگار کند» [۳۲] محمد ارکون نیز یکی از راهبردهای اصلاح وضع موجود در اندیشه اسلامی را تمایز نهادن میان عقل دینی و عقل علمی و سکولاریزم مثبت می‌داند. [۴۲] به اعتقاد وی جدایی میان دین و دولت امری پسندیده و ضروری است، چون فضای مدنی جامعه باید مختص همه شهروندان باشد، بدون تبعیض و صرف نظر از دینی که دارند و سکولاریزم به این معنا امری به حق و واجب است. [۵۲]

پی نوشت‌ها

- [۱]. صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۱، ص ۶۰۲.
- [۲]. سروش، نومعتزلی هستم، Bashghah.net.
- [۳]. همان
- [۴]. سروش، تجدید تجربه اعتزال، Porsojoo.com.
- [۵]. همان
- [۶]. شبستری، مولفه های نواندیشی دینی، Drshabestari.blogfa.com.
- [۷]. شبستری، قرائت نبوی از جهان، Drshabestari.blogfa.com.
- [۸]. عدالت نژاد، نقد و بررسی هایی درباره اندیشه های نصر حامد ابوزید، ص ۷
- [۹]. ابوزید، نقد گفتمان دینی، ص ۳۶۱ و ۴۶۱
- [۱۰]. حنفی، تاریخ مندی دانش کلام، ص ۵ و ۱۵
- [۱۱]. وصفی، نومعتزلیان، ص ۸۱
- [۲۱]. مجتهد شبستری، قرائت نبوی از جهان، Drshabestari.blogfa.com.
- [۳۱]. وصفی، نومعتزلیان، ص ۱۱

- [۴۱]. ابوزید نقد گفتمان دینی، ص ۵۸۲
- [۵۱]. ابوزید، دوائر الخوف، ص ۶۹۲ و ۷۹۲
- [۶۱]. ابوزید، نقد گفتمان دینی، ص ۵۸۲ و ۶۸۲
- [۷۱]. همان، ص ۱۹۲ و ۲۹۲
- [۸۱]. همان، ص ۱۹۲ و ۲۹۲
- [۹۱]. ابوزید، دوائر الخوف، ص ۸۰۲ و ۹۰۲
- [۱۰۲]. ابوزید، اشکالیات القرائه و آلیات التاویل، ص ۶۴۱
- [۱۲]. ابوزید، دوائر الخوف، ۲۳۲
- [۲۲]. خلف الله، القرآن و مشکلات حیاتنا المعاصره، ص ۵۶
- [۳۲]. ابوزید، قرآن به مثابه متن، قرآن به مثابه دیسکورس های مختلف، Zamaaneh.com
- [۴۲]. ارکون، نقد عقل اسلامی، ص ۶
- [۵۲]. ارکون، اعاده اعتبار به اندیشه دینی، ص ۵۹ و ۹۹

This entry was posted on Sunday, March 18th, 2018 at 12:26 pm and is filed under حقوق بشر, دیگری, زندگی روزمره, سبک زندگی, مقاله و یادداشت. آموزش.

You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can leave a response, or [trackback](#) from your own site.